

## رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق

### Correlation Between Differentiation of Self and Emotional Intelligence in Divorce Seeking Couples

M. Mohsenian<sup>✉</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

S. Karamlo

سمیرا کرملو

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

A. Ganjavi

آناهیتا گنجوی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

#### چکیده:

#### Abstract

The present research is aimed to study the relation between differentiation of self and emotional intelligence, and is conducted among individuals referring to judicial centers and those who tend to continue their marital life. The sample of the following research consist of 61 individuals referring to judicial centers and 61 individuals who tend to continue their marriage.

Both groups completed differentiation of self Inventory and Emotional intelligence scale. The results indicate significant differences between experimental and control groups in emotional intelligence and differentiation ( $p < .001$ ).

این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در افراد مراجعه‌کننده به مراکز قضایی و افراد مایل به ادامه زندگی مشترک در شهر تهران انجام گرفته است. نمونه مورد پژوهش شامل ۶۱ نفر از مراجعه‌کنندگان به مراکز قضایی و ۶۱ نفر از افراد مایل به ادامه زندگی مشترک که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، می‌باشد. هر دو گروه به پرسشنامه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی پاسخ دادند.

<sup>✉</sup>Corresponding author: Dept. Psychology department Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-6696809  
Email: m.mohseniyan@gmail.com

<sup>✉</sup> نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه فتح - خیابان شهید عبدالمهدی -  
روبروی بیمارستان شریعت رضوی - جنب کوچه مقدم - پلاک ۴  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۸۰۹  
پست الکترونیک: email: m.mohseniyan@gmail.com

Emotional Intelligence and differentiation scores were significantly higher in control group. According to the results of regression analysis, differentiation of self, I position, and Emotional cutoff could be considered as predictive variables for emotional intelligence.

**Key Words:** self-differentiation, emotional intelligence, marital satisfaction

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان گروه آزمایش و گواه در مورد هوش هیجانی و تمایزیافتگی خود ( $P < 0.001$ ) وجود دارد. افراد گروه گواه دارای هوش هیجانی و تمایزیافتگی بالاتری نسبت به افراد گروه آزمایش بودند. براساس تحلیل نتایج رگرسیون به شیوه گام به گام می‌توان مؤلفه جدایی عاطفی در متقاضیان طلاق ( $R^2 = 13\%$ ) و متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من و جدایی عاطفی در افراد عادی ( $R^2 = 28\%$ ) را به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین برای هوش هیجانی تلقی کرد. **کلیدواژه‌ها:** تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی، سازگاری زناشویی

### مقدمه

هوش هیجانی<sup>۱</sup> با عنوان توانایی بازبینی احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز قابل شدن میان آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت افکار و اعمال تعریف می‌شود (مایر و سالوی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). در واقع هوش هیجانی آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نماینده میزان برخورداری از توانایی تشخیص و ارزیابی و ابراز هیجان به نحوی صحیح و سازگارانه می‌باشد (لوسین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

الگوهای گوناگونی در مورد هوش هیجانی مطرح شده است. از جمله الگوی مایر و سالوی (۱۹۹۷) که در آن هوش هیجانی را سازه پیچیده‌ای معرفی می‌کنند که شامل سه توانایی است: ارزیابی و توصیف هیجانات خود و دیگران به معنی تعبیر و تفسیر نشانه‌های کلامی و غیرکلامی پیام‌های دیگران که باعث ایجاد حس همدلی در فرد می‌شود؛ تنظیم هیجانات در خود و دیگران؛ به‌کارگیری هیجان‌ها در راه‌های سازگارانه که در برگیرنده مفهوم حل مسئله، نگاه مثبت به آینده و ایجاد اعتماد در دیگران می‌باشد (جاکوز و کلین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

تمایزیافتگی خود عبارت است از توانایی بدست آوردن کنترل عاطفی و در عین حال، ماندن در جو عاطفی خانواده. این مفهوم بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات عاطفی در خانواده می‌باشد. تمایزیافتگی شامل نوعی ظرفیت درون فردی برای متمایز کردن تفکر و احساس و نیز توانایی بین فردی برای حفظ استقلال درون بافت روابط عمیق با افراد مهم زندگی می‌باشد (بوئن<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶، ۷۸؛ به نقل از پروچاسکا، ۱۹۹۹).

در واقع، جدایی میان افکار و احساس و حفظ آرامش و اضطراب اندک که مشخص‌کننده تمایز یافتگی‌اند (بوئن، ۱۹۸۵، به نقل از پروچاسکا، ۱۹۹۹)، باعث می‌شود تا فرد بهتر بتواند به شناسایی و توصیف هیجانات خود بپردازد (سالوی و مایر، ۱۹۹۰). میان برخی از توانایی‌هایی که هوش هیجانی را می‌سازند و مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود<sup>۶</sup>، همخوانی‌های بسیاری وجود دارد. از سوی دیگر تمایز یافتگی ابزار سودمندی در جهت ارزیابی پختگی هیجانی می‌باشد (بلیر<sup>۷</sup>، نلسون و کلمان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱).

تمایز یافتگی در افراد می‌تواند به‌عنوان منبع بالقوه هوش هیجانی مطرح شود از این‌رو می‌تواند به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده برای هوش هیجانی در نظر گرفته شود. نتایج تحقیق جاکوز و کلین نشان داد که تمایز یافتگی خود پیش‌بینی‌کننده قوی‌ای برای دو مؤلفه هوش هیجانی یعنی ارزیابی و توصیف هیجانات خود و دیگران و همچنین تنظیم هیجانات می‌باشد. اما تمایز یافتگی خود قادر به پیش‌بینی مؤلفه سوم هوش هیجانی، توانایی به‌کارگیری هیجان‌ها در راه‌های سازگارانه نمی‌باشد. (جاکوز و کلین، ۲۰۰۶).

افراد با تمایز یافتگی بالا به هیجانات خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد، توانایی رشد «خود مستقل»<sup>۹</sup> را در روابط صمیمی دارند و می‌توانند در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و بنابراین از هم‌جوشی عاطفی<sup>۱۰</sup> و یا جدایی عاطفی<sup>۱۱</sup> برای تعدیل تنش‌های درونی خود اجتناب می‌کنند؛ در حالی که افراد کمتر تمایز یافته، یا به هم‌جوشی با دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در می‌آیند و یا به جدایی عاطفی تن می‌دهند و بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمیت عاطفی، واکنش اضطرابی نشان می‌دهند (اسکرون و دندی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴).

درجات متنوعی از هم‌جوشی در سیستم‌های هیجانی و عقلی آدمی وجود دارد. هم‌جوشی بالا به فرد اجازه نمی‌دهد که خودش را از خانواده متمایز کند. هم‌جوشی به دو جنبه ناپختگی هیجانی نیز اشاره دارد: اولاً نوعی هم‌جوشی احساس و تفکر وجود دارد که طی آن، تفکر واقع‌بینانه تحت تأثیر تحریک‌پذیری قرار می‌گیرد و خادم آن می‌شود. حاصل این نوع هم‌جوشی دلیل‌تراشی و توجیه عقلی برای موجه جلوه دادن ناپختگی عاطفی است. ثانیاً هم‌جوشی به نبود مرزها و فقدان فردیت بین دو یا چند نفر اشاره دارد که نمونه آن روابط هم‌زیستی است (پروچاسکا، نورکراس، ۱۹۹۹). در رابطه با مؤلفه دیگر تمایز یافتگی یعنی جدایی عاطفی، بسیاری به اشتباه آن را نوعی پختگی هیجانی در نظر می‌گیرند. این افراد معتقدند جدایی عاطفی از والدین نشانه‌ای از رشد در جهت استقلال و بلوغ هیجانی آن‌هاست (نیکلز<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۵). مطابق نظریه بوئن، تمایز یافتگی برای سازگاری در سطح روان‌شناختی و نیز سطح ارتباطات بسیار ضروری است، چرا که افراد در مرحله همسرگزینی، به سوی فردی متمایل می‌شوند که از سطح تمایز یافتگی مشابهی برخوردار می‌باشد (جنکینز<sup>۱۴</sup>، بوبلتز و

شوارتز<sup>۱۵</sup>، (۲۰۰۵)، و بنابراین افراد با مشکلات تمایز یافتگی در زمینه رضایت زناشویی نیز دچار مشکل می‌شوند (اسکورون، ۲۰۰۰).

تحقیقات بسیاری بر روی تعاملات بین زوجین به منظور بررسی پیامدهای زناشویی، تمرکز کرده‌اند. این پژوهش‌ها راه‌های ارتباطی مؤثر و مهارت‌های حل تعارض در آن‌ها را مورد مطالعه قرار دادند و اهمیت روش‌های ارتباطی را نشان داده و نیز ابراز هیجانات زوجین به یکدیگر را، تعیین‌کننده مهمی در رابطه زناشویی پایدار معرفی کرده‌اند (گاتمن<sup>۱۶</sup>، کوان<sup>۱۷</sup>، کریر و اسواسون<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از گاتمن و نوتاریوس<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۰). این مهارت‌ها بخشی از مؤلفه‌های هوش هیجانی هستند. ارتباط بین فکر و احساس از عناصر اساسی است که هوش هیجانی ارائه می‌دهد. زمانی که این مهارت‌ها در موقعیت‌های مناسب به کار گرفته شوند، پیامدهای موفقیت‌آمیزی را به وجود می‌آورند. چنین مهارت‌هایی از قبیل توانایی کنترل عواطف خود و دیگران و نیز ابراز عواطف اهمیت درک رفتارهای بین فردی در زوجین را نشان می‌دهد. به‌طور کلی هوش هیجانی سهم قابل ملاحظه‌ای در روابط بین فردی و رضایت از رابطه دارد. به‌طوری‌که اسکات<sup>۲۰</sup> و همکاران (۱۹۹۸)، رابطه معناداری را میان رضایت زناشویی و هوش هیجانی نشان دادند (بریکر<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۵).

به‌طور کلی، اهمیت مؤلفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این‌گونه می‌توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین، به مهارت‌های ارتباطی آن‌ها مثل توجه به مسائل از دید همسر، توانایی درک همدلانه آنچه همسر تجربه کرده است، حساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۴). از سوی دیگر پژوهش‌های تجربی چندی وجود دارند که از رابطه میان تمایز یافتگی و اضطراب مزمن، رضایت زناشویی و آشفتگی روانی حمایت می‌کنند (میلرو اندرسون<sup>۲۲</sup>؛ کالاناکیا<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۴، به نقل از کار<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۶).

به‌طور خلاصه نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده، نشان می‌دهند افراد با مشکلات تمایز یافتگی از رضایت زناشویی پایین‌تری برخوردارند و دچار نقص در مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض می‌باشند (مورداد و گور<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۴). از سوی دیگر برخی تحقیقات، بر این موضوع تأکید دارند که مدیریت و تنظیم هوشمندانه هیجان‌ها یک عامل مهم در سلامت زندگی زناشویی است. مدیریت هیجان‌ها دربرگیرنده ابراز مداوم هیجان‌های مثبت همچون عشق و احساس همدلی است. از این‌رو هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای موفقیت افراد در زندگی زناشویی نسبت به هوش شناختی محسوب می‌گردد (گلمن<sup>۲۶</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از گلزاری، ۱۳۸۴).

با توجه به آنچه گذشت و با در نظر گرفتن اهمیت مؤلفه‌های دو متغیر تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در پایداری و موفقیت زندگی زناشویی، می‌توان اظهار داشت که این دو متغیر در بروز طلاق مؤثرند و با توجه به شرایط کنونی جامعه و آمارهای هشداردهنده در مورد افزایش طلاق و پیامدهای منفی و فردی و اجتماعی آن، هدف پژوهش حاضر مقایسه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در

متقاضیان طلاق و افراد مایل به ادامه زندگی مشترک می‌باشد. بنابراین این پژوهش به دنبال مقایسه میان این دو متغیر و نیز تعیین نقش تمایز یافتگی خود در پیش‌بینی هوش هیجانی است.

## روش

با توجه به هدف پژوهش حاضر، دو گروه از افرادی که مایل به ادامه زندگی مشترک و افرادی که در آستانه جدایی بودند، از نظر متغیرهای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود مورد مقایسه قرار گرفتند. در ادامه این پژوهش «تمایز یافتگی خود» و مؤلفه‌های آن یعنی واکنش هیجانی، هم‌جوشی با دیگران، جدایی عاطفی و جایگاه من به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و هوش هیجانی به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. در انتها داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با روش رگرسیون گام به گام مورد بررسی قرار گرفت.

## جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد ساکن شهر تهران که مایل به ادامه زندگی مشترک و کلیه افراد ساکن تهران که در آستانه جدایی بوده و به مراکز قضایی مراجعه کرده‌اند، هستند. از این تعداد ۶۱ نفر از افراد مراجعه‌کننده به مراکز قضایی شهر تهران و ۶۱ نفر از افراد ساکن تهران که تمایل به ادامه زندگی مشترک داشتند، به‌عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. قابل ذکر است که در نمونه‌گیری سعی شد میانگین سنی، تحصیلات، فراوانی زن و مرد رعایت شود.

## ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایز یافتگی خود (DSI-R)<sup>۲۷</sup>: این پرسشنامه خودسنجی توسط اسکورون و فریدمن (۱۹۹۸) تهیه شد و سپس (اسکورون، اسمیت؛ ۲۰۰۳) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسشنامه دارای ۴۶ سؤال می‌باشد. پاسخ‌ها در یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی شده است و شامل چهار خرده‌مقیاس است: واکنش هیجانی<sup>۲۸</sup> (ER)، جایگاه من<sup>۲۹</sup> (IP)، جدایی عاطفی (EC)، هم‌جوشی با دیگران<sup>۳۰</sup> (FO). مقیاس واکنش هیجانی دارای ۱۱ گزینه است که تمایل پاسخ به محرک‌های محیطی براساس پاسخ‌های خودکار و نیز طغیان هیجانی را می‌سنجد. مقیاس جایگاه من، دارای ۱۱ گزینه می‌باشد که حس من بودن و توانایی و وفاداری به آنچه که فرد به آن معتقد است (حتی زمانی که برای انجام خلاف آن تحت فشار باشد) را می‌سنجد. مقیاس جدایی عاطفی دارای ۱۲ گزینه می‌باشد که ترس از صمیمیت یا غرقه شدن در روابط نزدیک و رفتارهای دفاعی برای مقابله با این ترس‌ها را مشخص می‌کند. مقیاس هم‌جوشی با دیگران، این خرده‌مقیاس در فرم تجدیدنظر شده مورد بازبینی قرار گرفت. دارای ۱۲

گزینه می‌باشد و درگیری عاطفی شدید با افراد مهم و هویت‌سازی شدید با یکی از والدین را منعکس می‌کند.

نتایج تحقیقات انجام شده، اعتبار و روایی بالایی را نشان داده‌اند. پایایی فرم تجدیدنظر شده آن با روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲، خرده مقیاس هم‌جوشی با دیگران ۰/۸۶، واکنش هیجانی ۰/۸۹، جایگاه من ۰/۸۱، جدایی عاطفی ۰/۸۴ گزارش شده است (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳). از سوی دیگر رابطه میان DSI-R با اضطراب مزمن کمتر، رضایت زناشویی بالا متمرکز بر مشکل، شواهدی را برای اعتبارسازه<sup>۳۱</sup> این مقیاس فراهم کرده است (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴).

از آن‌جا که اطلاعاتی در مورد پرسشنامه در ایران یافت نشد، محققین اقدام به ترجمه و انطباق فرهنگی و سنجش روایی و پایایی آن نمودند. این پرسشنامه پس از تهیه توسط دو نفر از متخصصان امر مورد ترجمه قرار گرفت و سپس در اختیار دو نفر از اساتید روان‌شناسی قرار گرفت تا آنان نظر خود را نسبت به سؤالات پرسشنامه مطرح کنند. در برخی سؤالات که با فرهنگ ایرانی انطباق نداشتند تغییراتی داده شد و سپس در اختیار ۲ نفر از اساتید قرار گرفت تا نظر خود را اعمال کنند. از نظر آنان پرسشنامه مورد نظر برای تحقیق مطلوب تشخیص داده شد. این پرسشنامه در یک مرحله پایلوت بر روی ۳۹ نفر اجرا گردید که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۳ بدست آمد.

**پرسشنامه هوش هیجانی:** پرسشنامه هوش هیجانی توسط مایر و سالوی (۱۹۹۰) ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۱۶ گزینه می‌باشد و پاسخ‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی درجه‌بندی شده‌اند. در ایران غنایی (۱۳۸۲) میزان روایی و پایایی این پرسشنامه را با اجرا بر روی ۹۰ نفر آزمودنی مورد بررسی قرار داد که نتایج آن میزان پایایی و روایی این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۷۱ نشان داد.

### یافته‌ها

آزمودنی‌های این پژوهش شامل یک گروه ۱۲۲ نفره از زنان و مردان شهر تهران بودند که از این بین، ۶۱ نفر مایل به ادامه زندگی و ۶۱ نفر مایل به طلاق بودند. آزمون F برای مقایسه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی این دو گروه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نتایج آزمون F برای مقایسه نمرات هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود در

میان افراد عادی و متقاضیان طلاق

شاخص	مجموع مجدورات	DF	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری
واکنش هیجانی	۵۶۲/۶۵	۱	۵۶۲/۶۵	۷/۷۷	

۰/۰۰۶		۷۲/۳۹	۱۲۰	۸۶۸۷/۰۴	درون گروهی	
			۱۲۱	۷۰/۹۲۴۹	کل	
۰/۰۱۲	۶/۵۶	۳۵۴/۶	۱	۳۵۴/۶	بین گروهی	جایگاه من
		۵۴/۰۰۸	۱۲۰	۶۴۸۰/۹	درون گروهی	
			۱۲۱	۶۸۳۵/۵	کل	
۰/۰۰۳	۸/۹۶	۵۵۴/۰۹	۱	۵۵۴/۰۹	بین گروهی	جدایی عاطفی
		۶۱/۸۲	۱۲۰	۷۴۴۹/۴۷	درون گروهی	
			۱۲۱	۷۹۷۳/۵۷	کل	
۰/۷۰۸	۰/۱۴۰	۸/۹۲	۱	۸/۹۲	بین گروهی	هم جوشی با دیگران
		۶۳/۵۴	۱۲۰	۷۶۲۵/۶۷	درون گروهی	
			۱۲۱	۷۶۳۵/۵۹	کل	
۰/۰۰۱	۲۱/۳۷	۲۷۹۵/۵	۱	۲۷۹۵/۵	بین گروهی	هوش هیجانی
		۱۳۰/۷	۱۲۰	۱۵۶۹۴/۴	درون گروهی	
			۱۲۱	۱۸۴۹۰/۰۳	کل	
۰/۰۰۲	۱۰/۰۴	۴۷۷۱/۸	۱	۴۷۷۱/۸	بین گروهی	تمایز یافتگی خود
		۴۷۴/۹	۱۲۰	۵۶۹۹۱/۱	درون گروهی	
			۱۲۱	۶۱۷۶۳/۰۲	کل	

همان طور که در جدول ۱ دیده می شود، نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که میان دو گروه عادی و متقاضی طلاق از نظر متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من، جدایی عاطفی، هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود تفاوت معناداری وجود دارد. اما در مورد متغیر هم جوشی با دیگران، در میان دو گروه تفاوت معناداری یافت نشد.

برای پاسخ به این سؤال که کدام یک از مؤلفه های تمایز یافتگی خود توان پیش بینی تغییرات واریانس هوش هیجانی را دارند، از روش آماری تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۲: مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون هوش هیجانی بر متغیرهای پیش بین در افراد عادی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	SE
رگرسیون	۲۰۸۰/۸	۳	۶۹۳/۶	۷/۶۰۹	۰/۰۰۱	۰/۵۳۵	۰/۲۸۶	۹/۵۴۷
باقی مانده	۵۱۹۵/۷	۵۷	۹۱/۱۵					

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من و جدایی عاطفی توان پیش‌بینی متغیر ملاک را دارند، اما سایر متغیرها به دلیل این‌که پیش‌بینی کننده‌های ضعیفی بودند از معادله رگرسیون خارج شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین میانگین هوش هیجانی با متغیرهای پیش‌بین در جدول ۲ نمایش داده شده است. براساس نتایج بدست آمده میزان  $F$  مشاهده شده برای متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من و جدایی عاطفی معنادار است ( $P < 0/001$ ) و این متغیرها در مجموع ۲۸٪ از تغییرات واریانس هوش هیجانی را تعیین می‌کنند ( $R^2 = 0/28$ ).

جدول ۳: ضرایب تاثیر، بتا، t، رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش‌بین در افراد عادی

سطح معناداری	T	BETA	SEB	B	
۰/۰۴۶	-۲/۰۳۷	-۰/۲۸۲	۰/۱۷۳	-۰/۳۵۲	واکنش هیجانی
۰/۰۰۳	۱۶/۳	۰/۳۵۴	۰/۱۷۶	۰/۵۴۶	جایگاه من
۰/۰۰۱	۳/۴۰۸	۰/۴۷۲	۰/۱۹۵	۰/۶۶۶	جدایی عاطفی

در جدول ۳ ضرایب تأثیر متغیرهای واکنش هیجانی ( $B = -0/352$ )، جایگاه من ( $B = 0/546$ )، جدایی عاطفی ( $B = 0/666$ ) و آماره‌های t نشان می‌دهند که این سه متغیر می‌توانند تغییرات مربوط به واریانس هوش هیجانی (۲۸٪) را پیش‌بینی کنند. یعنی افزایش متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من و جدایی عاطفی با افزایش هوش هیجانی همراه است و از این میان متغیر جدایی عاطفی با اطمینان ۹۹٪ تغییرات مربوط به واریانس هوش هیجانی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۴: مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون هوش هیجانی بر متغیرهای پیش‌بین در متقاضیان طلاق

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری	R	R2	SE
رگرسیون	۱۱۱۰/۵۲	۱	۱۱۱۰/۵۲	۸/۹۶	۰/۰۰۴	۰/۳۶۳	۰/۱۳۲	۱۱/۱۲۸
باقی‌مانده	۷۳۰۷/۴	۵۹	۱۲۳/۸۵					

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول ۴ نشان می‌دهد که از بین متغیر پیش‌بین در گروه متقاضیان طلاق، متغیر جدایی عاطفی توان پیش‌بینی متغیر ملاک را دارند، اما سایر متغیرها به



دلیل این که پیش‌بینی کننده‌های ضعیفی بودند از معادله رگرسیون خارج شدند. براساس نتایج بدست آمده میزان  $F$  مشاهده شده برای متغیر جدایی عاطفی معنادار است ( $P < 0/001$ ) و این متغیر در مجموع ۱۳٪ از تغییرات واریانس هوش هیجانی را تعیین می‌کند ( $R^2 = 0/13$ ).

جدول ۵: ضرایب تأثیر، بتا،  $t$ ، رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش‌بین در متقاضیان طلاق

سطح معناداری	T	BETA	SEB	B	
۰/۰۰۴	۲/۹۹	۰/۳۶۳	۰/۱۸۱	۰/۵۴۳	جدایی عاطفی

در جدول ۵ ضرایب تأثیر متغیر جدایی عاطفی ( $B = 0/543$ ) و آماره‌های  $t$  نشان می‌دهند که این متغیر می‌تواند با اطمینان ۹۵٪ تغییرات مربوط به واریانس هوش هیجانی (۱۳٪) را پیش‌بینی کند. یعنی افزایش متغیر جدایی عاطفی با افزایش هوش هیجانی همراه است.

### بحث

هدف این پژوهش، بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود با هوش هیجانی در متقاضیان طلاق می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی رابطه مثبتی وجود دارد. بدین معنی که افرادی که تمایز یافته‌ترند می‌توانند هیجان‌های خود را به‌طور مثبتی ابراز و کنترل کنند و هیجان‌های دیگران را نیز درک کنند. این بیانگر نقش و اهمیت تمایز یافتگی در پی‌ریزی و نحوه ارتباط در بزرگسالی می‌باشد. هم‌چنین افرادی که بیشتر تمایز یافته‌اند در درک و ابراز و کنترل هیجان‌های خود توانمندتر هستند و بنابراین زندگی آن‌ها توأم با رضایت بیشتری است (اسکورون، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر تحقیقات بسیاری رابطه میان مشکلات تمایز یافتگی بزرگسالی با مشکلات روان‌شناختی شدید (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸؛ تاسون و فریدلندر، ۲۰۰۰؛ به‌نقل از اسکورون و دندی، ۲۰۰۴)، نقص در مهارت حل مسئله و مقابله کردن، مشکل در تصمیم‌گیری‌های شغلی (لارسون و ویلسون، ۱۹۹۵؛ به‌نقل از اسکورون، وستر و آزن<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۴)، دل‌بستگی نایمن اجتنابی و حتی توانایی بالقوه در سوءاستفاده جسمی از کودکان (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴) را نشان می‌دهند. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد مفهوم تمایز یافتگی خود با حوزه‌های متنوعی از عملکرد روان‌شناختی از جمله آشفتگی در روابط مرتبط می‌باشد (اسکورون، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر تفاوت معناداری میان متغیرهای هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود از نظر مؤلفه‌های واکنش هیجانی، جدایی عاطفی و جایگاه من در افراد عادی و متقاضی طلاق یافت شد. این یافته‌ها با نتایج اسکورون (۲۰۰۰) مبنی بر این که افراد تمایز یافته

در زندگی زناشویی خود با مشکلات کمتری روبه‌رو هستند، مطابقت می‌کند. زیرا که این افراد توانایی بیشتری برای بیان و ابراز هیجانات خود به شیوه‌ای مثبت و کنترل شده و همچنین توانایی رشد مستقل در روابط صمیمانه را دارا هستند. با این وجود میان افراد عادی و متقاضی طلاق از نظر مؤلفه هم‌جوشی با دیگران تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها را می‌توان با در نظر گرفتن متغیرهای فرهنگی این‌گونه تبیین کرد که فرهنگ جمع‌گرایی ما ایرانیان همان‌طور که تریاندیس (۱۳۷۸) معتقد است باعث می‌شود تا افراد هویت خود را در جمع جستجو کنند و با منسوب شدن به آن خود را شناخته و به دیگران نیز بشناسانند. بنابراین اگر ما هم‌جوشی عاطفی را وابسته به فرهنگ جمع‌گرایی بدانیم تفاوت این یافته تحقیق با سایر تحقیقات قابل توجیه می‌شود.

از دیگر یافته‌های اصلی این مطالعه رابطه میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی است که تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد از میان متغیرهای تمایز یافتگی خود در گروه عادی، متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من، جدایی عاطفی به‌طور معناداری با هوش هیجانی رابطه داشتند و توانستند ۲۸٪ از تغییرات واریانس هوش هیجانی را پیش‌بینی کنند. در حالی که در متقاضیان طلاق، متغیر جدایی عاطفی به‌عنوان پیش‌بینی کننده هوش هیجانی مطرح شد و توانست ۱۳٪ از تغییرات واریانس هوش هیجانی را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات جنکینز و همکاران (۲۰۰۵) و جاکوز و کلین (۲۰۰۶)، هماهنگ و همسو می‌باشند.

#### یادداشت‌ها

- |                            |  |
|----------------------------|--|
| 1. Emotional intelligence  | 18. Carrere & Swanson                          |
| 2. Mayer & salovey         | 19. Notarius                                   |
| 3. Lyusin                  | 20. Scott                                      |
| 4. Jacques & Kline         | 21. Bricker                                    |
| 5. Bowen                   | 22. Mille & Anderson                           |
| 6. Differentiation of self | 23. Kaulana-Keala                              |
| 7. Blair & Nelson          | 24. Carr                                       |
| 8. Coleman                 | 25. Murdock & Gore                             |
| 9. Autonomous self         | 26. Golman                                     |
| 10. Fusion                 | 27. Differentiation of self inventory –revised |
| 11. Emotional cutoff       | 28. Emotional reactivity                       |
| 12. Skowron & Dendy        | 29. I position                                 |
| 13. Nicholes               | 30. Fusion with others                         |
| 14. Jenkins                | 31. Constructive validity                      |
| 15. Bubolts & Schwartz     | 32. Wester & Azen                              |
| 16. Gottman                |  |
| 17. Coan                   |  |

#### منابع

پروچاسکا، جی. او.، نورکراس، جی. سی. (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی (ترجمه ی. سیدمحمدی)، تهران: انتشارات رشد. (انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۹).

تری یاندریس، اچ. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی (ترجمه ن. فتی). تهران: رسانش.  
جعفر یزدی، ح، گلزاری، م. (۱۳۸۴). هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش. مجله خانواده پژوهی، ۴، ص ۳۷۹-۳۹۲.  
غناپی، م. (۱۳۷۹). بررسی رابطه میان هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با سلامت روان دانشجویان دانشگاه تربیت معلم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

- Blair, T. M., Nelson, E. S. & Coleman, P. K. (2001). Deception, power, and self-differentiation in college students romantic relationship: An exploratory study. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27, 57-71.
- Bricker, D. (2005). *The link between marital satisfaction and emotional intelligence*. Unpublished master's thesis University of Johannesburg.
- Carr, A. (2006). *Family therapy: Concepts, process & practice* (second edition). John Wiley & sons, Ltd.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62, 927-947.
- Jacques, F. J., & Kline, T. J. B. (2006). The role of self-differentiation in predicting emotional intelligence and leadership. *International Journal of Work Organization and Emotion*, 1(4), 379-398.
- Jenkins, S. M., Bubolts, J. W. C., & Schwartz, P. J. (2005). Differentiation of self and psychosocial development. *Contemporary Family Therapy*, 27(2), 251-261.
- Lyusin, D. B. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44(6), 54-68.
- Murdock, N. L., & Gore, Jr, P. A. (2004). Stress, coping, and differentiation of self: A test of Bowen therapy. *Contemporary Family Therapy*, 26(3), 319-335.
- Nichols, M. P., & Schwartz, R. C. (1995). *Family therapy: Concepts and methods* (3<sup>rd</sup> ed). Need ham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- Salovey, P., & Mayer, J. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9(3), 185-211.
- Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
- Skowron, E. A., (2001). *Predicting resiliency among inner-city youth: Family structure, differentiation, and connection*. Paper presented at symposium of counseling psychology innovations in system based prevention, San Francisco, CA.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlated of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26(3), 337-357.
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscales. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222.
- Skowron, E. A., Wester, S. R., & Azen, R. (2004). Differentiation of self mediates college stress and adjustment. *Journal of Counseling & Development*, 82, 69-78.